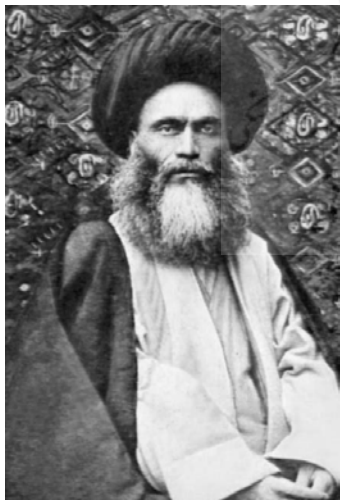


سیدضیاءالدین طباطبایی و انتخابات دوره چهاردهم یزد

هادی حکیمیان

مقدمه

آنچه که انتخابات دوره چهاردهم یزد را پرهیاهو ساخت، بیرون آمدن نام سیدضیاءالدین طباطبایی از صندوق یزد بود. هر چند که انتخاب سیدضیاء از یزد با اعمال نفوذ مستقیم دولت وقت و نیز عوامل انگلیسی صورت گرفت اما انتخاب وی چندان هم بی مقدمه نبود. پدر سیدضیاءالدین یعنی آقا سید علی یزدی که از آخوندهای درباری عصر قاجار و در ابتدا یکی از مخالفان سرسخت مشروطه بود. بعد از جریان به توپ بسته شدن مجلس به تشویق سیدضیاء که در آن زمان جوانی مشروطه خواه بود به خیل هواداران مشروطه پیوسته و بعد از پایان دوران استبداد صغیر در سال ۱۲۸۸ خ به هنگام انتخابات مجلس دوم به نمایندگی مردم یزد انتخاب شد اما از قبول نمایندگی و رفتن به مجلس امتناع کرد. (هاشم زاده محمدیه، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵-۱۰۴) دیگر آنکه در سال ۱۲۹۶ خ و در جریان انتخابات مجلس چهارم این بار خود سیدضیاءالدین از یزد انتخاب شد. (شجعی، ۱۳۴۴، ص ۳۴۲) ولی به علت شرایط ناشی از جنگ جهانی اول افتتاح مجلس چهارم تا چهار سال بعد یعنی تیرماه



سیدعلی مجتهد یزدی
(پدر سید ضیاء الدین)

۱۳۰۰خ به تعویق افتاد. در روز اول تیر ۱۳۰۰ مجلس چهارم در شرایطی گشایش یافت که حدود یک ماه قبل کابینه سیدضیاء سقوط کرده و او روانه تبعید شده بود. بنابراین، اعتبارنامه سیدضیاء مسکوت ماند. (تشریحی، ۱۳۷۷، ص ۰۱۳۰). گفتنی است پس از سقوط کابینه سیاه در چهارم خرداد ۱۳۰۰ سید ضیاء ابتدا به اروپا و بعد به فلسطین رفت.

زمینه سازی برای بازگشت سید ضیاء

سیدضیاء در مجموع بیست سال را به دور از تحولات ایران گذراند اما با وقوع جنگ جهانی دوم و به خطر افتادن منافع متفقین در ایران، دوباره یاد سیدضیاء به عنوان کسی که زمانی حامی و بعد رقیب و دشمن رضا شاه شده بود، در اذهان زنده شد. در اوایل اوت ۱۹۴۱ / مرداد ۱۳۲۰ طبق دستورالعمل دولت انگلیس کلنل جان تیگ رئیس شعبه «اینتلجنس سرویس» در فلسطین با سیدضیاء در مزرعه‌اش، در نزدیکی غزه ملاقات کرد و با قول حمایت از نخست‌وزیری وی نظرش را برای بازگشت به ایران جلب کرد. (ذوقی، ۱۳۶۷، ص ۰۹۲)

آدریان هولمن، کاردار سفارت انگلیس در تهران در ۳۰ ژوئن ۱۹۴۲ / ۹ تیر ۱۳۲۱ طی نامه‌ای خطاب به هاپکینسون، رئیس دفتر وزیر کشور بریتانیا مقیم قاهره نوشت: «من احساس می‌کنم که ما باید نزدیک‌ترین تماس ممکن را در مورد مسئله سیدضیاء با هم داشته باشیم، زیرا ممکن است که او در آینده‌ای نزدیک ارزش زیادی برای ما پیدا کند.» (همان ص ۰۹۳) در ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۲ / ۲ مهر ۱۳۲۱ آلن چارلز ترات، دبیر قسمت شرقی سفارت و نیز رئیس سرویس اطلاعاتی انگلیس (MI-۶) در ایران برای مذاکره با سیدضیاء و شنیدن نظرات وی تهران را به مقصد بیت‌المقدس ترک کرد. (همان، ص ۰۹۴)

سر ریدر ویلیام بولارد سفیر کبیر انگلستان در ایران پس از دریافت گزارش ترات درباره ملاقاتش با سیدضیاء در ۶ اکتبر ۱۹۴۲ / ۱۴ مهر ۱۳۲۱ طی گزارشی به آنتونی ایدن، وزیر امور خارجه انگلستان نوشت: «این ملاقات برای مقصود ما بسیار مفید و قابل استفاده بوده و باعث شده است تا درباره استفاده از وجود سیدضیاء در صورتی که موقعیت ایجاد نماید تصمیم روشن و قاطعی بگیریم.» (همان، ص ۰۹۵)

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر انگلیسی‌ها گروهی از رجال سیاسی ایران هم به سیدضیاء نامه نوشته و او را تشویق به بازگشت نمودند که از آن میان مظفر فیروز در آذر ۱۳۲۱ به غزه رفت و دو هفته مهمان سیدضیاء بود، وی در آنجا با سیدضیاء مصاحبه‌ای ترتیب داد. بعد از بازگشتش به تهران، مدیران جراید برای چاپ این مصاحبه





جنجالی به سوی او هجوم آوردند، اما مظفر فیروز به سفارش خود سیدضیاء متن مصاحبه را در اختیار عباس خلیلی، مدیر «روزنامه اقدام» گذاشت چرا که پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خ عباس خلیلی از همکاران سیدضیاء در «روزنامه رعد» بود. (صفایی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۹). مصاحبه سیدضیاء روز پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۲۱ با تیراژی وسیع در روزنامه اقدام چاپ شد.

بولارد در ۱۴ فوریه ۱۹۴۳ / ۲۵ بهمن ۱۳۲۱ طی گزارش خود به وزارت امور خارجه انگلیس می‌نویسد: «به نظر می‌رسد جنبشی به طرفداری از سیدضیاء در حال قد برافراشتن است که در آغاز قابل توجه نبود.» (بولارد، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸)

مبارزات انتخاباتی در یزد

در اول تیر ۱۳۲۲ فرمان انتخابات مجلس ۱۴ توسط شاه صادر شد و بلافاصله بعد از این بود که گروه‌های مختلف وارد کارزار انتخاباتی شدند. در این زمان سید علی‌اکبر موسوی‌زاده هم بعد از سال‌ها دوری از تحولات سیاسی یزد به میدان آمد. موسوی‌زاده از اواخر دوره قاجار و در جریان انتخابات دوره چهارم (۱۲۹۶خ) به عنوان یکی از لیدرهای آزادیخواهان در برابر جناح موسوم به مرتجعین که سردهسته آنها دکتر هادی طاهری و سید کاظم جلیلی بودند، وارد رقابت‌های سیاسی یزد شده بود. (تشرکی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸). همکاری موسوی‌زاده با فرخی یزدی در انتشار روزنامه‌های «قیام»، «طوفان» و «پیکار» وی را در یزد به چهره‌ای و جبهه‌الملله تبدیل ساخته بود. به ویژه که از مرداد ۱۳۲۱ وی با برعهده‌گرفتن ریاست دادگاه محاکمه متهمان شهربانی دوره رضا شاه شهرت و محبوبیتی زایدالوصف یافته بود. و تحت این شرایط بود که جمعیت آزادیخواهان یزد به وسیله محمد گلشن، از تجار مطرح و با محوریت شخص سید علی‌اکبر موسوی‌زاده (قاضی ارشد وزارت دادگستری و رئیس دیوان کیفر) دوباره احیاء شد. (آرشیو شفاهی سازمان اسناد ملی یزد، مصاحبه با بمانعلی حُسنی). جمعیت آزادیخواهان یزد که از همان ابتدا در مقابل گروه موسوم به مرتجعین یعنی باند دکتر طاهری و جلیلی (سردستانگان انگلوفیل‌های مجلس شورای ملی) صف‌آرایی کرده بود، با شعار آزادی و رفاه برای جامعه به میدان آمد. (مجموعه اسناد یزد، ج ۳، سند شماره ۸).

روز چهارشنبه ۸ تیر ۱۳۲۲ رأس ساعت ۷ بعد از ظهر در مسجد امیر چقماق، میتننگی از طرف جمعیت آزادیخواهان برگزار شد و موسوی‌زاده با توجه به شرایط جدیدی که بر فضای کشور حاکم شده بود، به



سخنرانی پرداخت و ضمن صحبت‌های خود به انتقاد از دولت پرداخت و نیز برنامه‌های خود را برای حضور در انتخابات بیان کرد. (همان)

نیمه مرداد ۱۳۲۲ بود که آگهی شروع انتخابات دوره ۱۴ در یزد و توابع منتشر شد و سپس فرمانداری برای تشکیل انجمن نظارت بر انتخابات و تعیین اعضای اصلی و علی‌البدل از

طبقات شش‌گانه دعوت به عمل آورد. اما از آنجا که اکثر دعوت‌شدگان جزء عوامل و بعضاً وابستگان و فامیل‌های نزدیک دکتر طاهری و جلیلی، و کلای یزد بودند، این اقدام فرمانداری با مخالفت موسوی‌زاده و هواداران وی روبه‌رو شد. در نتیجه فعالیت و پیگیری‌های جمعیت آزادیخواهان یزد که گه‌گاه با مراجعه مستقیم به منزل بسیاری از مدعوین فرمانداری همراه بود در روز موعود مقرر تنها عده کمی از مدعوین در فرمانداری حاضر شدند و در نتیجه فرمانداری مجبور شد مدتی بعد دوباره از همان مدعوین قبلی دعوت به عمل آورد و در نهایت در روز ۲۹ مرداد انجمن نظارت تعیین و هیئت‌مدیره انتخاب شد. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۴۴/۱۰۹/۱)

۲۹۰

از سویی عده‌ای از اهالی به نشانه اعتراض به دخالت‌های غیر قانونی احمد صدری (فرماندار) در تلگرافخانه تحصن کردند و تلگرافی علیه صدری اعلام جرم کرده و خواستار تعویض او شدند. کم‌کم مخالفت‌ها اوج گرفت و دسته‌هایی دو سه هزار نفری در سطح شهر به تظاهرات پرداخت. در نتیجه این اقدامات بود که عوامل و نزدیکان دکتر طاهری و جلیلی - که چندی پیش به شدت فعال بودند - مرعوب شدند و تا حدودی جو عمومی به نفع موسوی‌زاده برگشت. در این شرایط بود که وزارت کشور فردی را به نام ساری‌اصلان به عنوان بازرس و برای رسیدگی به شکایات معترضان روانه یزد کرد. به هنگام ورود او به یزد، جمع معترضان - که به وسیله جمعیت آزادیخواهان هدایت و سازماندهی می‌شدند - چندین بار علیه دکتر طاهری و جلیلی دست به تظاهرات زدند و خواستار تغییر اعضای انجمن نظارت بر انتخابات شدند. در جریان این تظاهرات عده‌ای هنگام عبور از نزدیکی خانه فرماندار شعارهای مرده باد فرماندار دست‌نشانده قانون‌شکن و مرده باد و کلای تحمیلی یزد سردادند. ساری‌اصلان که قبلاً با توصیه‌های دکتر طاهری و جلیلی روانه یزد شده بود، با مشاهده وضع موجود بنای اعتراض به اقدامات غیر قانونی و اعمال نفوذهای صدری را نهاد و در آخرین روز حضورش در یزد، جلسه فرمانداری را به حالت قهر و اعتراض ترک کرد و روانه تهران شد. (مکی، ۱۳۲۲، ص ۲)

در ۸ شهریور ۱۳۲۲ موسوی‌زاده که در این زمان در کانون توجهات مردم یزد بود و بی‌شک یکی از

برندگان انتخابات به حساب می‌آمد به اتهام حمایت از آلمان‌ها توسط نیروهای انگلیسی دستگیر و به بازداشتگاه متفقین در اراک منتقل شد. بدین ترتیب، زمینه برای انتخاب سیدضیاء فراهم آمد. (موسوی‌زاده، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۹۱).

هم‌زمان با این، سرتیپ قدر، فرمانده لشکر ۹ اصفهان یکی از واحدهای پیاده این لشکر را با تجهیزات کامل و به فرماندهی ستوان وجدانی به بهانه تعقیب اشرار نائین و یزد با حکم مأموریت روانه این ناحیه کرد. چند روز بعد، این واحد ارتش برای حفظ انتظامات شهر و در اصل برای مقابله با گروه معترضان در اختیار فرمانداری یزد قرار گرفت (اسناد و دیدگاه‌ها، ص ۵۹). و این علاوه بر گروهان پادگان یزد بود.

با ورود نیروهای ارتش به معرکه، فرمانداری در صدد ارباب و تهدید مخالفان برآمد، به نحوی که عده‌ای از ایشان یزد را به سوی تهران ترک کردند. عده‌ای هم انتخابات را تحریم کردند و از سویی با توجه به وضع پیش آمده و نیز جریان دستگیری و بازداشت موسوی‌زاده - که ۲۲ ماه طول کشید - اکثر سران جمعیت آزادیخواهان یزد به جز چند نفر معدود، همگی به سوی باند طاهری، جلیلی و سیدضیاء که چند روز بعد وارد بازی شد، رفتند و با ایشان نه تنها سازش که همراهی و همکاری هم کردند. (روزنامه رهبر یزد، ش ۱۰، ص ۷).

تحت این شرایط بود که از شنبه ۲ مهر دادن تعرفه و اخذ رأی در حوزه‌های مرکزی و فرعی آغاز شد و ظاهراً در همین روزها بود که سیدضیاء هم روانه کشور شد. در روز رأی‌گیری عده‌ای سرباز با مسلسل بر پشت‌بام مصلاهی یزد (محل رأی‌گیری) مستقر شده و عده‌ای هم مسلح در اطراف حوزه رأی‌گیری پاس می‌دادند و انتخابات در شرایط امنیتی و پلیسی برگزار شد. (مکی، ۱۳۲۲، ص ۲) علاوه بر این، آرای یزد از ۳۰ تا ۵۰ ریال خرید و فروش شد. (روزنامه رهبر، ش ۱۴۲، ص ۲).

زمانی که سیدضیاء در آستانه ورود به کشور بود، انتخابات یزد تمام شده بود و آرا در حال شمارش بود، که البته طبق سنت نانوشته دوره‌های قبل، دکتر طاهری و سید کاظم جلیلی در صدر بودند و همچنین قاسم هراتی، تاجر و ملاک معروف یزدی به مدد و پشتوانه هزینه کردن مبلغ ۲ میلیون ریال در رده سوم بود و مقدار زیادی از آرای وی نیز خوانده شده بود. (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۵ و ۲۶). در این هنگام بود که سفارت انگلیس در تهران دست به کار شد. چنان‌که بولارد بعداً در ۲۶ فوریه ۱۹۴۴ / ۱۶ اسفند ۱۳۲۲ طی گزارشی به وزرات امور خارجه انگلیس نوشت: «شیوه ما در طول انتخابات هرگز آن نبوده است که با فهرستی از پیش تعیین شده از نمایندگان، با دولت ایران روبه‌رو شویم، ولی ما همیشه از طریق نخست‌وزیر و وزیر کشور طرف مشورت قرار گرفته‌ایم و نظر خودمان را به آنها و کاندیداهایی که مایل‌اند حداکثر سعی خود را برای منافع ایران انجام دهند، گفته‌ایم. ما همچنین به مأموران کنسولگری‌های خودمان دستور داده‌ایم که اهالی محلی را به حمایت از کاندیداهای مناسب مترقی و بیشتر محلی تشویق و ترغیب کنند.» (بولارد، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲).

در این هنگام، سفارت انگلیس به کنسولگری کرمان که مرکز فعالیت انگلیسی‌ها در جنوب بود، دستور داد تا به کنسولگری یزد که تابع کرمان بود، بگوید که به نفع سیدضیاء وارد عمل شوند. از سویی، تلگراف

رمز وزارت کشور (دولت سهیلی) مبنی بر بیرون آوردن نام سیدضیاء از صندوق انتخابات به فرمانداری یزد رسید. (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). پس مقبول الرحمن، نایب کنسول انگلیس در یزد به دنبال قاسم هراتی فرستاد و گفت چون سیدضیاء تازه از فلسطین آمده و بناست به زودی نخست‌وزیر شود، فعلاً لازم است که پایگاه و جاپایی داشته باشد، و بدین ترتیب، او را راضی کرد که اجازه بدهد سیدضیاء در انتخابات سوم شود. ضمن اینکه مقبول الرحمن قول داد که سیدضیاء نمایندگی را قبول نمی‌کند و به محض آماده شدن شرایط برای نخست‌وزیری او از نمایندگی استعفا خواهد داد و بعد از این قاسم هراتی که چهارم شده، می‌تواند به جای سیدضیاء وارد مجلس شود. بدین ترتیب، با جلب نظر قاسم هراتی رأی‌های او را به نام سیدضیاء خواندند در نتیجه سیدضیاء سوم و قاسم هراتی چهارم شد. (مصاحبه با حسین بشارت) و اما زمانی که این جریان‌ها در یزد در حال شکل‌گیری بود سیدضیاء از طریق مرز کرمانشاهان و احتمالاً روز ۴ یا ۵ مهر وارد کشور شد. سیدضیاء به سفارش مظفر فیروز در طول زمان برگزاری انتخابات کرمانشاه - که در آن هنگام تحت اشغال نیروهای انگلیسی بود - وارد این منطقه شد تا هوادارانش که توسط برخی از افراد خانواده بزرگ فرمانفرمائی‌ان سازماندهی شده بودند، بتوانند ورود پیروزمندان نخست‌وزیر آینده کشور را جشن بگیرند. از تهران هم نصرالله و اسدالله رشیدیان برای حمایت مالی و نیز محافظت و همراهی سیدضیاء به کرمانشاه آمده بودند. منوچهر فرمانفرمائی‌ان که خود جزء سردستانان مستقبلین بود، می‌گوید: «آن شب سر میز شام (در منزل علیرضا خان اعتضاد السلطان دایی خود) سیدضیاء را مردی بی‌نهایت جذب‌کننده و سخنرانی‌چنان چیره‌دست یافتم که با وجود لکنت زبان آشکارش، همه ما را واداشته بود به دقت به سخنانش گوش دهیم... هنوز دور میز شام نشسته بودیم که در زدند. خدمتکار وارد شد و تلگرامی را آورد که از نتایج انتخابات آن روز در یزد خبر می‌داد. با وجود آنکه سیدضیاء بیشتر از بیست سال بود که به شهر خودش پا نگذاشته بود و حتی اصلاً در کشور حضور نداشت، در صدر فهرست نتایج انتخابات قرار گرفته بود.» (فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵-۱۸۴).

با توجه به اینکه شمارش آرا در یزد روز ۹ مهر به پایان رسید و با در نظر گرفتن خاطرات منوچهر فرمانفرمائی‌ان، باید گفت حتی پیش از پایان شمارش آرا یعنی در همان روزهای ۴ یا ۵ مهر بود که پیشاپیش خبر پیروزی سیدضیاء را به وی دادند تا با خاطری مطمئن وارد تهران شود.

چنان‌که گفته شد: انتخابات یزد که از ۲ مهر با توزیع تعرفه آغاز شده بود، در ۹ مهر با شمارش همه آرا پایان یافت که در این میان از مجموع ۲۷۱۹۴ ورقه تعرفه توزیع شده، سید کاظم جلیلی با ۲۵۵۷۴ رأی اول، دکتر طاهری با ۲۵۳۵۶ رأی دوم و سیدضیاءالدین طباطبائی با ۲۱۹۱۴ رأی سوم و البته قاسم هراتی هم چهارم شد. پس از پایان مدت قانونی ارائه شکایات، انجمن نظارت بر انتخابات شکایات واصله را که تعداد آن هم کم نبود، قانونی ندانسته و ضمن تنظیم صورت‌مجلس و تأیید صحت جریان انتخابات اعتبارنامه‌های سه نفر منتخب را صادر کرد. (مذاکرات مجلس، مورخ ۱۳۲۲/۱۲/۱۴، ص ۱۰).

بازتاب انتخابات یزد در مرکز

سیدضیاء در روز ۷ مهر ۱۳۲۲ در میان استقبال پرشور عده‌ای از هوادارانش و نیز گروهی از رجال سیاسی و رؤسای ادارات تهران که وی را نخست‌وزیر بعدی می‌دانستند، وارد تهران شد. شمارش آرا تهران در ۱۵ بهمن پایان یافت و دکتر محمد مصدق یکی از مخالفان سرسخت انگلستان و سیدضیاء در صدر فهرست تهران جای گرفت. در ۶ اسفند مجلس گشایش یافت و پرونده انتخابات یزد برای بررسی به شعبه سوم مجلس رفت که پس از رسیدگی، این شعبه، شکایات واصله به روند انتخابات یزد را غیر قانونی دانسته و صحت آن را تأیید کرد. (مذاکرات مجلس، مورخ ۱۳۲۲/۱۲/۱۴، ص ۱۱-۱۳). اعتبارنامه‌های دکتر طاهری و سید کاظم جلیلی در روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۲۲ مطرح و با اکثریت آرا تصویب شد. اما به هنگام طرح اعتبارنامه سیدضیاء بود که فراکسیون حزب توده و نیز دکتر مصدق مخالفت خود را با آن اعلام کردند. بدین ترتیب، طرح اعتبارنامه سیدضیاء به جلسات بعد موکول شد. (همان، ص ۱۳). لازم به ذکر است پیش از این، جمع کثیری از مخالفان سیدضیاء به دکتر مصدق متوسل شده بودند؛ از جمله تعدادی از جوانان و دانشجویان یزدی مقیم تهران به نزد دکتر مصدق رفتند و ضمن شرح جریانات انتخابات یزد، مدارکی را مبنی بر تقلب و چگونگی بیرون آوردن نام سیدضیاء از صندوق یزد و نیز شرحی از اجحافات و کلای تحمیلی یزد به وی ارائه دادند و خواستار مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاء شدند. (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۶).

در طی این مدت انگلیسی‌ها به شدت نگران مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاء در مجلس بودند. بولارد در ۲۱ ژانویه ۱۹۴۴ / ۳۰ دی ۱۳۲۲ طی گزارشی می‌نویسد: «اعتبارنامه نمایندگان به وسیله کل مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر این کار جدی گرفته می‌شود، عده بسیار معدودی بر جای می‌ماند، ولی امر محتمل این است که آنها با یکدیگر تباری می‌کنند که چیزی نگویند هر چند می‌شنوم مقامات بیشتر نگران رد اعتبارنامه مردی (سیدضیاء) هستند که گفته می‌شود هم درستکار است و هم لایق و نترس. مردی که در ایران حکم سیمرغ و کیمیا را دارد و احتمالاً موی دماغ جماعت راحت‌طلب قدیمی خواهد شد.» (بولارد، ۱۳۷۸، ص ۳۳۲).

در مجلس شورای ملی در جلسه سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۲ دکتر مصدق ابتدا از رادمش و فداکار خواست شکایت خود را پس بگیرند تا مخالفت وی با سیدضیاء به حزب توده نسبت داده نشود. مصدق ضمن نطق خود حقایق را پیرامون وابستگی سیدضیاء به انگلستان و نیز نقش غیر قابل انکار وی در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بیان کرد.

ادامه نطق مصدق به روز بعد موکول شد و او در ادامه صحبت‌هایش ضمن ذکر سابقه سیدضیاء، صلاحیت او را برای نمایندگی مجلس رد کرد و او را جاده صاف‌کن دیکتاتوری عهد رضا خان دانست. بعد از پایان نطق دکتر مصدق، ابتدا نقابت و بعد خود سید ضیاء در مقام پاسخ‌گویی برآمدند. پس از رأی‌گیری مخفی از ۸۶ نفر عده حاضران، ۵۷ نفر به اعتبارنامه سیدضیاء رأی مثبت دادند و اعتبارنامه وی با اکثریت آرا تأیید شد. (مذاکرات مجلس، مورخ ۱۳۲۲/۱۲/۱۷، ص ۸۵). هر چند که به ظاهر

بحث نمایندگی سیدضیاء در مجامع داخلی ایران پایان یافت، اما درگیری بین انگلستان و شوروی در این مورد همچنان ادامه داشت. بولارد در ۱۸ فوریه ۱۹۴۵ / ۲۹ بهمن ۱۳۲۳ خطاب به سفیر کبیر شوروی در ایران که سیدضیاء را عامل بریتانیا می‌دانست، نوشت: «در ایران که ایرانی نمی‌تواند آب بخورد بدون آنکه متهم نشود تحت نفوذ انگلیس یا روس یا امریکا یا قدرت خارجی دیگر عمل می‌کند، اغلب گفته می‌شود دولت انگلستان سیدضیاء را به ایران آورد، از قضا این اتهام نادرست است.» (بولارد، ۱۳۷۸، ص ۳۷۹)

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- ۱- اسناد و دیدگاه‌ها (حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷)، بی‌جا: حزب توده، ۱۳۶۰.
- ۲- بولارد، ریدر ویلیام، خاطرات سر ریدر ویلیام بولارد، سفیر کبیر انگلستان در ایران (نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه)، ترجمه غلامحسین میرزاصالح، تهران: طرح نو، چ ۲، ۱۳۷۸.
- ۳- تشکری بافقی، علی‌اکبر، مشروطیت در یزد، تهران: مرکز یزد شناسی، ۱۳۷۷.
- ۴- ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: پاژنگ، ۱۳۶۷.
- ۵- شجیعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران: دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
- ۶- صفایی، ابراهیم، پنجاه خاطره از پنجاه سال، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۱.
- ۷- فرمانفرمائی‌ان، منوچهر، خون و نفت (خاطرات یک شاهزاده ایرانی)، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۸- مجموعه اسناد یزد، ج ۳، یزد: بنیاد ریحانه‌الرسول، ۱۳۸۰.
- ۹- موسوی‌زاده، جهانگیر، محاکمه (رضا شاه در برابر تاریخ)، ج ۲، تهران: موسوی‌زاده، ۱۳۸۰.
- ۱۰- میرحسینی، محمدحسن، خاطرات سعیدی فیروزآبادی، یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۸۳.

مقالات

- ۱- مکی، حسین، انتخابات آزاد یزد! دکتر طاهری و سید کاظم و سید ضیاء‌الدین چگونه انتخاب شدند؟، روزنامه رهبر، س ۱، ش ۱۴۵، مورخ ۱۳۲۲/۷/۲۴.
- ۲- هاشم‌زاده محمدیه، عباس، آقا سید علی علوی یزدی و انقلاب مشروطه، کاوش‌نامه علوم انسانی دانشگاه یزد، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

روزنامه‌ها

- ۱- رهبر یزد، س ۱، ش ۱۰، مورخ ۱۳۲۵/۷/۱۱.
- ۲- رهبر، س ۱، ش ۱۴۲، مورخ ۱۳۲۲/۷/۲۰.
- ۳- مذاکرات مجلس دوره چهاردهم، مورخ ۱۳۲۲/۱۲/۱۴.
- ۴- _____، مورخ ۱۳۲۲/۱۲/۱۷.

اسناد

۱- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۲- آرشیو سازمان اسناد ملی یزد.

منابع شفاهی

- ۱- آرشیو شفاهی سازمان اسناد ملی یزد: مصاحبه با بمانعلی حسینی (روزنامه نگار و فعال سیاسی یزد در دهه‌های بیست و سی). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲- مصاحبه با حسین بشارت (از مطلعان تاریخ و تحولات سیاسی یزد).